



اجلاس بین المللی حمایت از مردم فلسطین - 14 / اسفند / 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

به شما میهمانان گرامی، علماء و متفکران و سیاستمداران و مجاهدان که در چهارمین گردهمائي برای دفاع از فلسطین به جمهوري اسلامي ايران آمده ايد خوشامد مي گويم.

در فاصله‌ي اين اجلاس با اجلاس قبلی که در روزهای 15 تا 17 ربیع الاول سال 1427 هجري قمری در تهران تشکيل شد حوادث مهم و تعیین‌کننده‌ی اتفاق افتاده است که افق آينده را در قضيه‌ي فلسطین روشنتر و وظائف ما را درباره‌ي اين مسئله‌ي همچنان اصلي دنياي اسلام آشكارتر مي سازد.

از جمله‌ي اين حوادث مهم، شکست شگفت‌آور نظامي و سياسي اسرائيل در برابر مقاومت اسلامي در جنگ 33 روزه‌ي لبنان در سال 1427 هجري قمری و ناکامي خفت‌آور رژيم صهيونيسطي در جنگ 22 روزه‌ي جنایتکارانه‌اش با مردم و دولت قانوني فلسطين در غزه است.

اکنون رژيم غاصب که چند دهه با ارتض و تسليحات خود و با پشتيباني نظامي و سياسي امريكا، چهره‌ي مهيب و شکست‌ناپذير نشان مي داد، دو بار از نيزوهای مقاومت که با اتكاء به خدا و مردم، بيش از اتكاء به سلاح و تجهيزات مي جنگيدند، شکست خورده و با وجود تمرينها و آماده‌سازيهای نظامي و سازمانهای عريض و طويل اطلاعاتي و حمایت بيدريغ امريكا و بعضی دولتهای غربی و همدستي برخی منافقان جهان اسلام، انحلال، و شيب تند سقوط، و عدم کفایت خود در برابر موج نيزومند بيداري اسلامي را ظاهر ساخته است.

از سوئي دیگر جنایاتي که در حادثه تاریخي غزه از مجرمان صهيونيسطي سر زد؛ کشتار وسیع مردم غیرنظمي، ویران کردن خانه‌های بیدفاع، سوراخ کردن سینه‌ي کودکان شیرخوار، بمباران دبستان و مسجد، به کارگيري بمبهای فسفری و برخی سلاحهای ممنوع دیگر، بستن راه غذا و دارو و سوخت و دیگر نیازهای اوليه‌ي مردم در مدتی نزدیک به دو سال، و بسي جنایات دیگر، ثابت کرد که غريزه‌ي وحشیگري و جنایت در سران دولت جعلی صهيونيسطي، با دهه‌های آغازین فاجعه‌ي فلسطين هیچ تفاوتی نیافته و همان سیاست و همان خوي درندگي و بي رحمي که فاجعه‌های دير ياسين و صبرا و شتيلا را پديد آورد، امروز هم بعينه بر ذهن و دل ظلماني اين طاغوتهاي زمان حاكم است که البتة امروز با بهره‌گيري از پيشرفت فناوري، دائمي جنایت بسي گسترشتر و فاجعه‌بارتر مibاشد.

چه آنان که با توهם شکست‌ناپذيري رژيم صهيونيسطي، شعار «واقع‌بینی» سر داده دست سازش و تسلیم در برابر غاصبان دراز کردند، و چه کسانی که به خیال باطل خود، نسل دوم و سوم سیاستمداران صهيونيسطي را مبرأ از جنایات نسل اوّل دانسته، اميد همزیستي سالم در کنار آنان را در دل پروراندند، اکنون باید به خطاي خود پي برده باشند. اولاً با موج بيداري امت مسلمان و باليدن نهال مقاومت اسلامي، آن هيئت دروغين فرو ريخته و نشانه‌های ناتوانی و درماندگي در رژيم غاصب آشکار گشته است، و ثانياً خوي تجاوزگري و بي شرمي از جنایت در گردنده‌گان آن رژيم همان است که در دهه‌های اوّل بود و هرگاه بتوانند يا گمان ببرند که میتوانند، از هیچ جنایتی رویگرдан نیستند. اکنون 60 سال از اشغال فلسطين ميگذرد. در اين مدت همه‌ي ابزارهای قدرت مادي در خدمت غاصبان قرار گرفته است؛ از پول و سلاح و فناوري، تا تلاشهای سياسي و دипلماسي، و تا شبکه‌ي عظيم امپراتوري خبري و اطلاع‌رساني.

به رغم اين تلاش شيطاني گسترد و حيرت آور، غاصبان و حاميان آنان نه تنها نتوانسته‌اند مسئله‌ي مشروعیت رژيم صهيونيسطي را حل کنند، بلکه اين مسئله با گذشت زمان بفرنج‌تر هم شده است.

عدم تحمل رسانه‌های غربي و صهيونيسطي و دولتهای حامي صهيونيزم در برابر حتی طرح سؤال و تحقيق درباره هولوكاست که بهانه‌ي غصب فلسطين بود، يكي از نشانه‌های اين تزلزل و ابهام است. اکنون وضع رژيم صهيونيسطي

از همیشه‌ی تاریخ سیاه خود در افکار عمومی جهان بدتر و پرسش از دلیل پیدایش آن جدیتر است. اعتراض بی‌سابقه و خودجوش جهانی از شرق آسیا تا امریکای لاتین علیه آن رژیم و تظاهرات مردمی در 120 کشور جهان و از جمله در اروپا و در انگلیس که خاستگاه اصلی این شجره‌ی خبیث بود، و دفاع آنان از مقاومت اسلامی غزه و از مقاومت اسلامی لبنان در جنگ 33 روزه، نشان میدهد که یک مقاومت جهانی علیه صهیونیزم پدید آمده که در 60 سال گذشته هرگز تا این حد، جدی و حجیم نبوده است. میتوان گفت مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین توانسته است وجود جهانی را بیدار کند.

این درس بزرگی است، هم برای دشمنان امت اسلامی که خواسته‌اند با زور و سرکوب، دولتی و ملتی جعلی و فرمایشی بسازند و با مرور زمان، آن را به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل کرده و چنین تحمیل ظالمانه‌ئی را در جهان اسلام، عادی‌سازی کنند. و هم برای امت اسلامی و بویژه جوانان غیور و وجودانهای بیدار آن، تا بدانند که مجاهدت در راه بازگرداندن حق پایمال شده، هرگز ضایع نمیشود و وعده‌ی خداوند راست است که فرمود:

أَذْنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَقَعَ اللَّهُ النَّاسَ بِعَضَهُمْ بِيَعْضٍ لَهُدْمَتْ صَوَامِعٍ وَ بَيْعَ وَ صَلَوَاتٍ وَ مَسَاجِدٍ يُذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوْيٌ عَزِيزٌ.

و قال تعالى: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِلُّ لِلنَّاسِ الْمِيعَادَ، وَ قَالَ عَزوجل: وَ لَنْ يُحَلِّفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ، وَ قَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ: فَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهَ مُحْلِفًا وَعَلَيْهِ رُسْلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقامٍ وَ كَدَامٌ وَعَدَهُ از این وعده الهی صریحتر که فرمود: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَحْلِفُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيَرَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَ لَيْسَرُكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

مغالطه‌ی بزرگی که در قضیه‌ی فلسطین بر ذهن برخی از دست‌اندرکاران چنگ انداخته این است که کشوری بنام اسرائیل یک واقعیت شصت ساله است و باید با آن کنار آمد. من نمیدانم اینها چرا از واقعیتها‌ی دیگری که در برابر چشم آنان است درس نمی‌گیرند؟ مگر کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای جنوب غربی پس از هشتاد سال بی‌هویتی و تبدیل به بخشهایی از شوروی سابق، بار دیگر هویت اصلی خود را باز نیافتدند؟

چرا فلسطین که پاره‌ی تن جهان اسلام است نتواند بار دیگر هویت اسلامی و عربی خود را بازیابد؟ و چرا جوانان فلسطینی که در شمار باهوشترین و مقاومترین جوانان عرب‌ن‌توانند اراده‌ی خود را بر این واقعیت ظالمانه فائق گردانند؟

مغالطه‌ی بزرگ دیگر آن است که گفته شود تنها راه نجات ملت فلسطین، مذاکره با کی؟ با رژیم غاصب و زورگو و گمراهی که جز به زور، به هیچ اصل دیگری معتقد نیست؟ آنان که به این بازیچه و فرب خود را دلخوش کردند چه به دست آوردند. آنچه آنها به عنوان حکومت خودگردان از صهیونیستها گرفتند، با صرفنظر از ماهیت تحقیرآمیز و اهانتبار آن، اولاً با هزینه‌ی سنگین اعتراف به مالکیت رژیم غاصب بر تقریباً سراسر فلسطین تمام شد، ثانیاً همان حکومت نیم‌بند و دروغین را هم با بهانه‌های واهمی در مواردی زیر پای خود لگد کوب کردند؛ محاصره‌ی یاسر عرفات در ساختمان مدیریتش در رام‌الله و انواع تحقیر و تذلیل او حادثه‌ای نیست که فراموش شود.

ثالثاً: چه در زمان عرفات و چه بویژه پس از او با مسئولان حکومت خودگردان مانند رؤسای کلانتریهای خود رفتار کردند که وظیفه‌شان تعقیب و دستگیری مجاهدان فلسطینی و محاصره‌ی اطلاعاتی و پلیسی آنهاست، و بدینصورت تخم کینه را در میانه‌ی گروههای فلسطینی پاشیدند و آنها را به جان یکدیگر انداختند.

رابعاً: همان اندازه دستاورد ضعیف هم فقط برکت جهاد مجاهدان و مقاومت غیور مردان و زنان تسليم‌ن‌پذیر بود. اگر انتقام‌های را خ نمیداد صهیونیستها با وجود تنازل پی‌درپی رؤسای سنتی فلسطین در برابر آنها، همین اندازه را هم

هرگز به آنان نمیدادند.

یا مذاکره با امریکا و انگلیس که بزرگترین گناه را در ایجاد و حمایت از این غده‌ی سرطانی مرتکب شده‌اند؟ و خود پیش از آنکه میانجی باشند طرف دعوایند؟ دولت آمریکا هیچگاه حمایت بی‌قید و شرط خود از رژیم صهیونیست و حتی از جنایت‌های آشکار آن از قبیل ماجرای اخیر غزه را متوقف نکرده است.

حتی رئیس جمهور جدید آمریکا هم که با شعار تغییر در سیاستهای دولت بوش بر سر کار آمده است، از تعهد بی‌قید و شرط به امنیت اسرائیل دم میزند، یعنی دفاع از تروریسم دولتی، دفاع از ظلم و زورگوئی، دفاع از قتل عام صدها مرد و زن و کودک فلسطینی در 22 روز، این یعنی همان کژراهه‌ی دوران بوش و نه چیزی کمتر.

مذاکره با مجتمع وابسته به سازمان ملل هم یک رویکرد عقیم دیگر است. سازمان ملل شاید در کمتر نمونه‌ئی همچون مسئله‌ی فلسطین، مورد آزمون افشاگر و رسواکننده قرار گرفته باشد.

شورای امنیت، یک روز اشغال فلسطین به وسیله‌ی گروههای تروریست جرّار را سریعاً به رسمیت شناخت و نقشی اساسی را در پیدایش و تداوم این ظلم تاریخی بازی کرد، و پس از آن چندین دهه همواره در برابر نسل‌کشی‌ها، آواره‌سازیها، جنایتهای جنگی و انواع جرائم گوناگون دیگر آن رژیم، سکوت رضایت‌آمیز کرد، و حتی هنگامی که مجمع عمومی رأی به نژادپرست بودن صهیونیسم داد، نه تنها با آن همراهی نکرد، که در عمل 180 درجه با آن فاصله گرفت. کشورهایی زورگوی عالم که برخوردار از عضویت دائم در شورای امنیت‌اند از این مجمع جهانی همچون ایزار استفاده میکنند.

نتیجه آنکه نه تنها این شورا به کار امنیت در جهان کمکی نمیکند بلکه هرجا که قرار است مفاہیمی همچون حقوق بشر یا دموکراسی و امثال آن، وسیله‌ی زیاده‌طلبی و سلطه‌ی بیشتر آنان گردد، به کمک ایشان می‌شتابد و بر کارهای نامشروع آنان پوششی از فریب و دروغ می‌افکند.

نجات فلسطین با دریوزگی از سازمان ملل یا از قدرتهاي مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید، راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است، با توحید کلمه‌ی فلسطینیان و کلمه‌ی توحید که ذخیره‌ی بی‌پایان حرکت جهادی است.

ارکان این مقاومت، از سوئی گروههای مجاهد فلسطینی و آحاد مردم مؤمن و مقاوم فلسطین در داخل و خارج آن کشورند؛ و از سوئی دیگر، دولتها و ملت‌های مسلمان در سراسر جهان، بویژه عالман دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی و دانشگاهیان. اگر این دو رکن مستحکم در جای خود قرار گیرند، بی‌شك وجودهای بیدار و دلها و اندیشه‌هایی که افسون تبلیغات امپراتوری خبری استکبار و صهیونیزم، آنها را مسخ نکرده، در هر نقطه‌ی عالم به یاری ذیحق و مظلوم خواهند شتافت و دستگاه استکبار را در برابر طوفانی از اندیشه و احساس و عمل قرار خواهند داد.

نمونه‌ی این حقیقت را در طول روزهای اخیر مقاومت پرشکوه غزه همه دیدیم. گریه‌ی رئیس غربی یک سازمان خدماتی بین‌المللی در برابر دوربین رسانه‌ها، اظهارات همدردانه فعالان سازمانهای بشردوستانه، تظاهرات بزرگ و صمیمی مردم در قلب پایتخت‌های اروپائی و شهرهای امریکا، اقدام شجاعانه‌ی رؤسای چند دولت در امریکای لاتین، همه و همه نشانه‌ی آن است که دنیای غیرمسلمان نیز هنوز به دست نیروهای شرآفرین و فسادآفرین - که نام قرآنی آنها شیطان است - به طور کامل تسخیر نشده و هنوز میدان برای جولان حقیقت، باز است.

آری، مقاومت و صبر مجاهدان و مردم فلسطین و حمایت و کمک همه‌جانبه به آنان از سراسر کشورهای اسلامی خواهد توانست طلس شیطانی غصب فلسطین را بشکند. انرژی عظیم امت اسلامی میتواند مشکلات جهان اسلام و از جمله، مشکل حاد و فوری فلسطین را حل کند.

اکنون خطاب من به شما برادران و خواهران مسلمان است در سراسر جهان و نیز به همه‌ی وجودهای بیدار از هر کشور و ملت. همت کنید و طلس مصونیت جنایتکاران صهیونیست را بشکنید. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب



را که در فاجعه‌ی غزه نقش آفرین بودند به پای میز محاکمه بکشانید و به مجازاتی که عدل و عقل حکم میکند برسانید. این اولین قدمی است که باید برداشته شود. سران سیاسی و نظامی رژیم غاصب باید محاکمه شوند. اگر جنایتکار مجازات شود، راه جنایت برای آنان که انگیزه و جنون آن را دارند ناهموار خواهد شد. آزاد گذاشتن عاملان جنایتهای بزرگ، خود عامل و مشوق جنایتهای دیگر است. اگر امت اسلامی پس از جنگ 33 روزه‌ی لبنان و آن فاجعه‌آفرینی‌های دهشتناک، مجازات صهیونیستها فاجعه‌آفرین را بعد مطالبه میکرد، اگر این مطالبه‌ی حق پس از به خاک و خون کشیدن کاروانهای عروسی در افغانستان و پس از جنایات بلکواتر در عراق و پس از رسائیها سربازان امریکائی در ابوغریب و غیر آن صورت میگرفت، امروز ما شاهد کربلای غزه نمی‌بودیم.

ما دولتها و ملتها و قضایا وظیفه‌ئی را که قانون عقل و عدل بدان حکم میکرد انجام ندادیم و نتیجه آن چیزی است که امروز شاهد آنیم.

جای تأسف عمیق است که برخی از دولتها و سیاستمداران جهانی، از مقولات اخلاقی و قضاؤت وجودانی بشری، سخت بیگانه‌اند. برای آنها قتل عام بیش از 1350 نفر و ختمی کردن حدود 5500 نفر مردم بی‌سلاح و بسیاری کودک در ظرف 22 روز در غزه، هیچ حساسیتی برنمی‌انگیزد؛ قاتلان و مجرمان نه تنها مجازات نمی‌شوند، که پاداش هم میگیرند. امنیت رژیم سفاک یک امر قدسی که باید در هر حال از آن دفاع کرد به شمار می‌آید و طرف مظلوم، چه دولتی که با رأی قاطع مردم بر سر کار آمده و چه مردمی که آن دولت را بر سر کار آورده‌اند، متهم و محکوم می‌شوند. این است حکم دیوان سیاستی که با اخلاق و وجودان و فضیلت، نسبتی ندارد و آبش با آن به یک جو نمی‌رود. این دولتها هنگامی که نفرت عمیق افکار عمومی را از خود مشاهده میکنند، بی‌آنکه علت آشکار آن را ببینند، به سراغ باز هم سیاست‌ورزی می‌برند و این چرخه‌ی معیوب همچنان ادامه می‌یابد.

برادران و خواهران عزیز در همه‌ی جهان اسلام! از تجربه‌ها درس بگیریم.

امت بزرگ ما امروز به برکت بیداری اسلامی، دارای قدرت عظیمی است. کلید حل مشکلات فراوان کشورهای اسلامی، در دست همت و یکپارچگی این مجموعه‌ی شگرف است، و مسأله‌ی فلسطین، فوری‌ترین مسأله‌ی جهان اسلام است.

گاهی شنیده می‌شود که کسانی میگویند: فلسطین یک مسأله‌ی عربی است. این سخن به چه معنی است؟ اگر مقصود آن است که عرب، احساسات خویشاوندانه‌تری دارد و مایل است خدمت و مجاهدت بیشتری تقدیم کند، این چیز پسندیده‌ئی است و ما به آن تبریک می‌گوئیم. ولی اگر معنی این سخن آن است که سران برخی کشورهای عربی به ندای یا للمسلمین مردم فلسطین کمترین توجهی نکنند و در قضیه‌ی مهمی مانند فاجعه‌ی غزه با دشمن غاصب و ظالم همکاری کنند و بر سر دیگران که ندای وظیفه، آرامشان نمیگذارد فریاد بکشند که شما چرا به غزه کمل میکنید،

در این صورت هیچ مسلمانی و هیچ عربی غیور و با وجودانی این سخن را نمی‌پذیرد و گوینده‌ی آن را از سرزنش و تقبیح معاف نمی‌سازد. این همان منطق اخزم است که پدر خود را کتنک میزد و اگر کسی دخالت میکرد بر سر او فریاد میکشید؛ پس از او هم پرسش آن پدر بزرگ را به باد مشت و کتنک میگرفت و این در زبان عربی مثُل شد که: انَّ بَنِيَّ رَمْلَوْنِيَّ بِالدَّمِ شِنْشِنِيَّةُ اعْرَقُهَا مِنْ أَخْرَمِ

کمل همه جانبی به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان واجب کفایی بر همه‌ی مسلمانان است. دولتها که به جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از کشورهای مسلمان بخاطر کمل به فلسطین خرده میگیرند، خود متحمل این کمل و حمایت شوند تا تکلیف اسلامی از دیگران ساقط شود، و اگر همت و توان و شجاعت آن را ندارند، بهتر است به جای خرده‌گیری و کارشکنی، قدرشناس اقدامات مسئولانه و شجاعانه‌ی دیگران باشند.

حضرار محترم شما که در این گردهمائي حضور یافته اید، در مسئله‌ی فلسطین صاحب‌نظر و اندیشه‌ورید. وظیفه‌ی



تاریخی امروز ما تکرار سخنان و تئوریهای ناتوان گذشته نیست، بلکه ارائه‌ی راهکاری است که فلسطین را از زیر ستم رژیم صهیونیستی آزاد کند. پیشنهاد ما یک راهکار کاملاً منطبق بر مردم‌سالاری است که میتواند منطق مشترک همه‌ی افکار جهانی باشد. آن پیشنهاد این است که همه‌ی صاحبان حق در سرزمین فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در یک همه‌پرسی، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه‌ی فلسطینی هائی که سالها مشقت آوارگی را تحمل کرده اند نیز در این همه‌پرسی شرکت کنند.

دنیای غرب باید بداند که نپذیرفتن این راه حل نشانه‌ی پایبند نبودن به دموکراسی است که پیوسته از آن دم میزنند و این آزمون افشاگر دیگری بر علیه آنان خواهد شد.

آزمون قبلی آنان نیز در فلسطین بود که نتیجه‌ی انتخابات کرانه‌ی باختり و غزه را که روی کارآمدن دولت حماس بود نخواستند بپذیرند. کسانی که دموکراسی را تا جائی می‌پذیرند که نتائج آن مطلوب آنان باشد، جنگ طلب و ماجراجویند و اگر از صلح دم میزنند جز دروغ و فریب نیست.

اکنون مسأله‌ی بازسازی غزه یکی از فوری‌ترین مسائل فلسطین است، دولت حماس که منتخب اکثریت قاطع فلسطینیان است و حماسه‌ی مقاومتش در ناکام گذاشتند رژیم صهیونیستی، درخشان‌ترین نقطه در تاریخ صد ساله‌ی اخیر فلسطین است، باید مرکز همه‌ی فعالیتهای مربوط به بازسازی قرار گیرد. شایسته است که برادران مصری راه کمک‌ها را باز کنند و بگذارند که کشورها و ملت‌های مسلمان به وظیفه‌ی خود در این مهم عمل کنند.

در پایان یاد شهیدان جنگ 22 روزه را که با خون خود غزه‌ی فلسطین را به عزت اسلام و عرب مبدل کردند گرامی میدارم و برای آنان طلب مغفرت و رحمت میکنم. و نیز به همه‌ی شهیدان فلسطین و لبنان و عراق و افغانستان و همه‌ی شهیدان اسلام و به روح مطهر امام راحل عظیم الشأن درود میفرستم.

از خداوند متعال عزت اسلام و مسلمین و نزدیکی هر چه بیشتر ملت‌های مسلمان به یکدیگر و بیداری روزافزون دنیا اسلام را مسأله میکنم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته